



پیش بینی بزه کاری نوجوانان
بر اساس خود کنترلی و اجبار والدینی و ارائه راهکارهای پیشگیرانه

● دکتر مرتضی عندلیب کورایم

چکیده

هدف پژوهش حاضر پیش بینی بزه کاری بر اساس اجبار والدینی و خود کنترلی در بین مددجویان مراکز اصلاح و تربیت بود. بدین منظور در یک طرح پژوهشی توصیفی همبستگی گذشته نگر، از بین مددجویان کانون اصلاح و تربیت تهران تعداد ۲۵۸ مددجو با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس به عنوان شرکت کننده انتخاب شد. داده ها با استفاده از پرسش نامه خود گزارشی فرزند پروری آلاباما- نسخه فرزند (APQ)، مقیاس خود کنترلی تانجی (SCS) گردآوری شد. اطلاعات گردآوری شده با استفاده از آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه توسط نسخه ۲۲ نرم افزار SPSS تحلیل گردید. نتایج نشان داد که از بین مولفه های اجبار والدینی سه مولفه ی فقدان تربیت مثبت، تنبیه بدنی، مشارکت ضعیف پدر به طور مثبت و معنی دار قادر به پیش بینی بزه کاری می باشند ولی دو مولفه ی نظم و انضباط ناپایدار و نظارت ضعیف به طور معنی دار قادر به پیش بینی بزه کاری نبودند. از سوی دیگر خود کنترلی نیز به طور منفی بزه کاری را پیش بینی کرده است. یافته های حاصل از پژوهش حاضر نشان از روابط متغیرهای اجبار والدینی و خود کنترلی با بزه کاری می باشد و می تواند مورد استفاده روان شناسان جنایی، جرم شناسان و سایر متخصصان مرتبط قرار گرفته و در جهت پیشگیری از بزه کاری نوجوانان نقش داشته باشد.

کلمات کلیدی: بزه کاری، اجبار والدینی، خود کنترلی

بزه کاری جوانان و نوجوانان مسأله‌ای است که از دیرباز در جامعه بشری مورد توجه بوده است. اصطلاح بزه کاری پس از تصویب اولین قانون بزه کاری در شیکاگو در سال ۱۸۹۹، متداول گشت (وایت، شی، هیرشفیلد، مان و لوئیر^۱، ۲۰۰۹). هم زمان با گسترش انقلاب صنعتی در اروپا و دیگر نقاط جهان، دامنه نیازمندی‌ها رشد پیدا کرد و در نتیجه محرومیت‌های ناشی از برآورده نشدن خواست‌ها و نیازهای زندگی موجب گسترش شدید و دامنه‌دار فساد، عصیان، تبهکاری سرگردانی، دزدی، انحراف جنسی و ... میان نوجوانان و جوانان گردید. عوامل مختلفی بر بزه کاری تأثیر دارند که در این پژوهش اجبار والدینی و خودکنترلی مورد بررسی قرار گرفته است (ورتلی^۲، ۲۰۱۱).

خانواده اولین نقطه‌ای است که ویژگی‌های روانی-اجتماعی فرد در آن رشد می‌کند. اگر کودکی با نظم و انضباط نامشخص در خانواده بزرگ شده باشد دارای نواقص روانی-اجتماعی (پرخاش‌گری نسبت به دیگران، خودکارآمدی پایین، حضور در گروه‌های اجتماعی انحرافی، خودکنترلی پایین، منبع کنترل بیرونی و الگو برداری از رفتارهای اجباری) خواهد بود (کلوین^۳، ۲۰۰۰). کودک و نوجوان این نواقص روانی-اجتماعی را با خود به موقعیت‌های اجتماعی دیگر خواهد آورد. در نتیجه این نواقص روانی-اجتماعی در رفتار کودک و نوجوان مداخله ایجاد کرده و ممکن است رفتارهای منفی و متخلفانه را فراخوانی کند.

نظریه‌ی اجبار^۴ پاترسون مدلی را برای تأثیر والدین بر رفتار بزه کارانه کودک ارائه می‌دهد. بر طبق نظریه اجبار این که فردی مرتکب رفتار انحرافی شود بستگی به فرایندهای متقابلی دارد که بین او والدینش رخ می‌دهد (دیشون و پاترسون^۵، ۱۹۹۷). طبق این مدل، وقتی والدین با یک دستور مبهم و با لحن منفی مانع فعالیت کودک شده، او را تهدید نموده، عیب جویی کرده و به تنبیه متوسل می‌شوند، کودک آه و ناله سر می‌دهد، هوار می‌کشد و امتناع می‌کند تا این که پدر و مادر دریابند که رفتار کودک خیلی شدید است و در نهایت تسلیم او می‌شوند. این مسأله سبب می‌شود که هر دو در دام تقویت گرفتار شوند. کودک و والدین هر دو تقویت منفی دریافت می‌کنند؛ وقتی این چرخه بارها تکرار می‌شود، در سایر اعضای خانواده اضطراب و تحریک پذیری ایجاد شده و طولی نمی‌کشد که آن‌ها نیز به تعامل‌های خصمانه روی می‌آورند (واحدی، ۱۳۹۰).

دوران نوجوانی سنینی است که افراد تمایل دارند وقت خود را بیشتر با همسالان خود سپری کنند و استقلال به دست بیاورند (ووس^۶، ۱۹۹۹)، لذا نظارت والدینی موجب می‌شود، آن‌ها کماکان نقشی را در رشد اجتماعی نوجوان ایفا کنند. به وسیله‌ی تعیین محدودیت‌ها و آگاه بودن از فعالیت‌ها و ارتباطات اجتماعی نوجوان، ممکن است والدین احتمال رفتار ضد اجتماعی نوجوان را کاهش دهند.

۱. WHITE, SHI, HIRSCHFIELD, MUN & LOEBER

۲. WORTLEY

۳. COLVIN

۴. COERCION

۵. DISHON & PATTERSON

۶. VOSS

اجبار والدینی موجب برانگیختن خصومت و بی‌اعتمادی در کودکان می‌شود و کودکان در یادگیری اصولی که قواعد را پی‌ریزی می‌کنند، ناتوانند (ماکوبی و مارتین^۱، ۱۹۸۳)، بنابراین بعدها در زندگی نیز ناتوان از یادگیری قواعد اجتماعی بوده و از روی نا آگاهی موجب قانون شکنی می‌شوند. گرشاف^۲ (۲۰۰۲) در این زمینه فراتحلیلی را بر روی ۸۸ مطالعه انجام داد. تنها نتیجه‌ی مطلوب که تنبیه بدنی در پی داشت افزایش اطاعت بی‌درنگ با اندازه اثر ۱/۱۳ بود. نتیجه نامطلوب شامل افزایش پرخاشگری در کودک (اندازه اثر ۰/۴۲)، افزایش پرخاشگری در بزرگسالی (اندازه اثر ۰/۵۷) افزایش بزه کاری بزرگسالی و رفتار ضد اجتماعی (اندازه اثر ۰/۴۲)، کاهش کیفیت رابطه والد-فرزند (اندازه اثر ۰/۵۸-) و کاهش درونی سازی اخلاق (اندازه اثر ۰/۳۳-) بود.

به طور کلی یافته‌های تجربی از نظریه اجبار حمایت کرده اند بدین گونه که:

- ۱) تنوع سطوح اجبار تجربه شده درون خانواده زمان آغاز و مدت ارتکاب رفتار متخلفانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (یعنی آغاز زود هنگام و دیر هنگام؛ پاترسون، فورتاچ، یورگر و استولمیلر^۳، ۱۹۹۸)؛
- ۲) فرآیند اجبار دو وجهی است و در طول زمان افزایش پیدا می‌کند (پترسون، بانک و استولمیلر، ۱۹۹۰)؛
- ۳) به نظر می‌رسد فرآیند اجبار در رشد رفتار انحرافی تأثیرگذار باشد (مانند حمله، رفتار آزارنده، سرقت، تجاوز و رفتارهای برون ریزی؛ فاگوت و لیو^۴، ۱۹۹۸).

پژوهش‌هایی وجود دارند که ارتباط پنج عمل تربیتی والدین (تربیت مثبت، تقویت مثبت، نظم، نظارت والدینی و تمرین‌های حل مسأله کارآمد) را با جرم و بزه بررسی کرده‌اند. در پژوهشی که ارتباط همه‌ی این پنج عمل والدینی را با رفتار متخلفانه بررسی کرده است، پترسون، رید و دیشیون (۱۹۹۲) نشان داده‌اند که نظارت، نظم و انضباط، تقویت مثبت و حل مسأله به طور منفی با رفتار متخلفانه مرتبط می‌باشد. با این حال، مشارکت والدینی (یعنی تربیت مثبت) با رفتار متخلفانه مرتبط نبود. علاوه بر این برخی از پژوهش‌ها شواهدی را مبنی بر ارتباط نظارت و نظم ناکارآمد با افزایش رفتار متخلفانه (مانند بحث، دروغ‌گویی، درگیری فیزیکی، وندالیسم و سوء مصرف مواد) و افزایش اجبار در خانواده به دست آوردند (بانک، فورتاچ، پترسون و فترو^۵، ۱۹۹۳؛ فلچر، دارلینگ و اشتینبرگ^۶، ۱۹۹۵).

اشنایدر و پاترسون (۱۹۸۷) در پژوهشی بین رفتار ضد اجتماعی آشکار (شامل پرخاشگری / هجوم، اختلالات سلوکی پرخاشگرانه و جرم علیه اشخاص) و نا آشکار (شامل دروغ‌گویی / سرقت، اختلالات سلوکی غیر پرخاشگرانه و جرایم علیه اموال) انجام دادند. نتایج نشان داد که کودکانی که رفتارهای ضد اجتماعی آشکار نشان می‌دهند از خانواده‌هایی آمده‌اند که تنبیه کننده تر، خشک تر و محدود کننده تر بودند و کودکانی که رفتار ضد اجتماعی نا آشکار نشان داده بودند از خانواده‌هایی آمده‌اند که دارای انضباط سهل گیرانه و سست می‌باشند.

۱. MACCOBY AND MARTIN .

۲. GERSHOFF .

۳. STOOLMILLER .

۴. FAGOT AND LEVE .

۵. BANK, FORGATCH AND FETROW .

۶. FLETCHER, DARLING AND STEINBERG .

مفهوم دیگری که در این پژوهش بررسی شده است، خودکنترلی می باشد. نظریه عمومی جرم گانفردسون و هیرشی (۱۹۹۰) یکی از پر استنادترین و معتبرترین مدل های نظری موجود در تبیین جرم است. این نظریه نمونه ای از نظریه های دیدگاه کنترل در جرم شناسی است. نظریه های کنترل، تمرکز را از بیان چگونگی اکتساب شرایط مجرمانه به سمت بیان این که چرا شرایط اطاعت از قانون کسب نشده است، تغییر داده اند. فرض بر این است که افراد با انگیزش طبیعی برای ارتکاب جرم متولد می شوند و نقش محیط در جرم این است که این انگیزه ها را سرکوب بکند یا نکند (ویلسون و هرنشتاین^۱، ۱۹۸۵). در طول سالیان متمادی، جرم شناسان شاهد این قضیه بوده اند که یکی از ویژگی های متمایزکننده ی مجرمان عدم توانایی آن ها برای در نظر گرفتن عواقب منفی درازمدت رفتار انحرافی خود می باشد.

گانفردسون و هیرشی (۱۹۹۰) سه ادعا را مطرح کردند:

الف- سطوح خودکنترلی فرد بر سطوح تخلفی که فرد مرتکب می شود تأثیر می گذارد.
ب- فقدان تربیت مناسب این که فرد به واسطه ی خودکنترلی پایین مرتکب رفتار خلاف می شود را تعیین می کند.

ج- خودکنترلی پایین میانجی گراتباط بین اجبار والدینی و انحراف است. علاوه بر این، افراد دارای خود-کنترلی پایین به احتمال بیشتری مرتکب رفتارهای مختلفی از رفتارهای مرتبط با جرم (مانند مصرف الکل و مواد، مصرف سیگار و پرخاشگری) گرفته تا انواع جدی جرایم (سرقت، تخلفات خشن و اقتصادی) می شوند.

مطالعات نشان داده اند که خودکنترلی رفتار انحرافی را هم در کودکی، هم نوجوانی، هم بزرگسالی و هم بین ملیت های مختلف پیش بینی می کند. خودکنترلی پایین پیش بینی کننده ی تعدادی از رفتارهای انحرافی مانند وندالیسم، سرقت، مصرف الکل و دارو، حمله، بدرفتاری در مدرسه، تجاوز در دوران نوجوانی، دستبرد، سرقت از مغازه و قمارکردن در دانشجویان و رفتار مجرمانه در بزرگسالی است (وازسونی و کراسویت^۲، ۲۰۰۴). همچنین پژوهش ها ارتباط معنی داری بین خودکنترلی پایین و رفتارهای پرخطر (مانند سوء مصرف مواد، رفتار جنسی بی پروایانه و رانندگی پر خطر به دست آورده اند. علاوه بر این بین خودکنترلی بالا و پیروی از هنجار (گانفردسون و هیرشی، ۱۹۹۰).

علیوردی نیا و یونسی (۱۳۹۳) تأثیر میزان خودکنترلی بر ارتکاب جرم در میان ۴۱۶ نفر از دانشجویان دانشگاه های تهران و علامه طباطبایی بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که تمام مؤلفه های خودکنترلی پایین به جز مؤلفه ابراز خشم می تواند تغییرات مصرف مواد و الکل دانشجویان را تبیین کند. بشیریان، حیدرنیا، اله وردی پور و حاجی زاده (۱۳۹۱) نیز رابطه خودکنترلی با تمایل نوجوانان به مصرف مواد را در بین ۶۵۰ نفر از دانش آموزان همدانی بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که بین خودکنترلی با سابقه مصرف سیگار، سابقه مصرف مواد مخدر، قصد مصرف مواد و نگرش نسبت به مواد مخدر رابطه ی معنی داری وجود دارد. همچنین کارشکی و مؤمنی (۱۳۹۱) نقش خودکنترلی در گرایش مصرف مواد مخدر در دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که بین خودکنترلی و گرایش به مصرف مواد رابطه وجود دارد.

۱. WILSON AND HERRNSTEIN .

۲. VAZSONYI AND CROSSWHITE .

با توجه به مطالب مطرح شده در فوق در خصوص ارتباط دو متغیر اجبار والدینی و خودکنترلی با بزه کاری هدف پژوهش حاضر پیش بینی بزه کاری بر اساس این دو متغیر می باشد.

• روش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش های توصیفی - همبستگی گذشته نگر است که در آن متغیر ملاک (بزه کاری) با استفاده از متغیرهای پیش بین (اجبار والدینی و خودکنترلی)، تبیین شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه مددجویانی تشکیل می دهد که در فاصله ی زمانی بهمن ماه ۹۴ تا خرداد ماه ۹۵ در مرکز اصلاح و تربیت تهران حضور داشته اند که با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس تعداد ۲۵۸ آزمودنی به عنوان نمونه انتخاب شدند. پس از انتخاب آزمودنی ها، ضمن تشکر از مشارکت مددجویان در پژوهش و اطمینان از سری ماندن اطلاعات و اختیاری بودن مشارکت در پژوهش پرسش نامه های مذکور تکمیل شد. اجرا به صورت انفرادی و یگروه های حداکثر ۴-۵ نفره بود. سؤالات توسط تیم پژوهشی قرائت شده و پس از اطمینان از تفهیم سؤالات توسط آزمودنی ها اقدام به علامت گزینه مورد نظر می شد.

• ابزار

مقیاس جرم و خشونت (SVC)

مقیاس جرم و خشونت دارای ۳۱ آیتم خود گزارشی است که فراوانی استفاده از راهبردهای خشن در تعارضات و خشونت بین فردی را در طی یک سال می سنجد مقیاس دارای چهار خرده مقیاس است که به لحاظ مفهومی متفاوتند: خرده مقیاس راهبرد تعارض عمومی (۱۲ آیتم)، خرده مقیاس جرایم مالی (۷ آیتم)، خرده مقیاس جرم بین فردی (۷ آیتم) و خرده مقیاس جرایم مواد و اعتیاد (۵ آیتم) (کنراد، رابلی، کنراد، چان و دنیس^۱، ۲۰۱۰). آیتم های مربوط به مقیاس راهبرد تعارض عمومی برای تمامی آیتم ها با این گزاره آغاز می شود: "آیا در طی ۱۲ ماه گذشته، کارهای زیر را انجام داده اید؟" پاسخ ها به صورت بله / خیر می باشد (خیر=۰ و بله=۱ نمره گذاری می شود). آیتم های مربوط به سایر مقیاس ها با این گزاره مشترک آغاز می شوند: "در طول یک سال گذشته چند بار..... انجام داده اید". با وجود این که پاسخ تعداد دفعات را منعکس می کند، نمره به صورت دو وجهی می باشد، یعنی نمره ۰ برای اصلاً و نمره ۱ برای یک بار و بیشتر اختصاص داده می شود. مقیاس دارای ضریب پایایی مناسب ۰/۷۶ برای مردان و ۰/۷۲ برای زنان می باشد (کنراد و همکاران، ۲۰۱۰).

پرسش نامه فرزند پروری آلاباما نسخه فرزند (QPA)

این پرسش نامه دارای ۴۵ آیتم می باشد که برای اندازه گیری پنج حوزه ی تربیت فرزند توسط شلتون، فریک و ووتون^۲ (۱۹۹۶) تهیه شده است. حوزه های قابل بررسی در این آزمون شامل نظم و انضباط ناپایدار (شامل عدم

۱. CONRAD, RILEY, CONRAD, CHAN, & DENNIS .

۲. SHELTON, FRICK AND WOOTTON .

اطلاع والدین و اقتدار می باشد)، نظارت ضعیف والدین، مشارکت ضعیف پدر، فقدان تربیت مثبت و تنبیه بدنی می باشد (لازم به ذکر است در پژوهش حاضر نمره گذاری خرده مقیاس های تربیت مثبت، مشارکت پدر و نظم و انضباط پایدار به منظور هماهنگی با اجبار والدینی و سایر خرده مقیاس ها، به صورت معکوس انجام گرفت). آیتم ها در مقیاس پنج درجه ای لیکرت از هرگز تا همیشه تنظیم شده است. همسانی درونی برای مقیاس ها از متوسط تا بالا بین دامنه ی ۰/۴۶ تا ۰/۸۰ می باشد (مک ماهون، مانسون و اسپیکر^۱، ۱۹۹۷). پایایی این آزمون از طریق آزمون-پس آزمون در فاصله ی زمانی سه ساله ۰/۶۵ گزارش شده است (شلتون و همکاران، ۱۹۹۶). همچنین سامانی (۱۳۹۰) نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ پایایی این ابزار را بین ۰/۵۲ تا ۰/۸۸ و با استفاده از روش بازآزمایی این ضریب را بین ۰/۷۵ تا ۰/۸۶ ارزیابی کرده است.

پرسش نامه خودکنترلی تانجی (SCS)

این پرسش نامه به وسیله ی تانجی، بامیستر و بوم^۲ (۲۰۰۴) تدوین شده است که دارای دو خرده مقیاس خود-کنترلی منع کننده و خودکنترلی اولیه می باشد. این پرسش نامه ۳۶ آیتمی با هدف سنجش میزان کنترل فرد بر خودشان ساخته شده است. طیف پاسخ گویی آن از نوع لیکرت می باشد. دریدر، دیوئر، لاگتیگ، بیکروون و هووف^۳ (۲۰۱۱) همسانی درونی این پرسش نامه را با استفاده از آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس خودکنترلی منع کننده ۰/۸۶ و برای خرده مقیاس خودکنترلی اولیه ۰/۶۸ می باشد. همبستگی بین دو خرده مقیاس خودکنترلی نیز در پژوهش ریدر و همکاران بالا (۰/۶۸ = r) گزارش شده است. در این پژوهش خودکنترلی کلی مورد بررسی قرار گرفت.

روش تجزیه و تحلیل داده ها

به منظور تحلیل داده ها و پیش بینی بزه کاری بر اساس اجبار والدینی و خودکنترلی از آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه در نسخه ۲۲ نرم افزار SPSS استفاده شد. مطالعات فرسنگی

یافته ها

یافته های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهشی در جدول ۱ به نمایش درآمده است.

۱. McMAHAN, MUNSON AND SPIEKER .

۲. TANGNEY, BAUMEISTER AND BOONE .

۳. DE RIDDER, DE BOER, LUGTIG, BAKKER AND VAN HOOFT .

متغیر	حدافل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	تعداد
بزه کاری	۲	۲۶	۱۶/۱۳	۶/۹۸	۲۵۸
خود-کنترلی	۷۴	۱۲۳	۹۹/۰۴	۱۱/۵۰	۲۵۸
فقدان تربیت مثبت	۱/۹۴	۴/۹۴	۳/۶۱	۰/۶۴	۲۵۸
تنبیه بدنی	۱/۱۰	۴/۲۲	۲۳/۵۰	۰/۶۸	۲۵۸
مشارکت ضعیف پدر	۲/۷۶	۴/۹۲	۳/۹۳	۰/۴۵	۲۵۸
نظم و انضباط ناپایدار	۱/۲۹	۳/۸۶	۲/۶۰	۰/۵۳	۲۵۸
نظارت ضعیف	۱	۳/۷۵	۲/۵۵	۰/۵۹	۲۵۸
اجباروالدینی کل	۱۰/۵۹	۲۰/۰۸	۱۵/۱۹	۱/۹۶	۲۵۸

جدول ۱: آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مورد بررسی

به منظور روشن تر شدن یافته های پژوهش ماتریس همبستگی مربوط به متغیرهای پژوهش در جدول ۲ آمده است.

(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)	(۷)	(۸)
۱							
خودکنترلی (۲)	**۰/۵۳						
فقدان تربیت مثبت (۳)	**۰/۳۲	**۰/۲۱					
تنبیه بدنی (۴)	**۰/۳۶	**۰/۲۰	*۰/۱۷				
مشارکت ضعیف پدر (۵)	**۰/۴۶	**۰/۳۹	**۰/۲۲	**۰/۲۹			
نظم و انضباط ناپایدار (۶)	**۰/۳۲	**۰/۲۵	**۰/۲۹	**۰/۴۹	**۰/۲۷		
نظارت ضعیف (۷)	**۰/۳۶	**۰/۲۵	**۰/۲۶	**۰/۴۱	**۰/۳۶	**۰/۵۰	۱
اجباروالدینی کل (۸)	**۰/۵۳	**۰/۳۷	**۰/۵۹	**۰/۷۲	**۰/۵۸	**۰/۷۴	**۰/۷۵
**۰/۱>P							

جدول ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهشی

نتایج جدول ۲ نشان می دهد که همبستگی بین بزه کاری با خودکنترلی، به صورت منفی و با خرده مقیاس های اجباروالدینی به صورت مثبت در ارتباط می باشد. در ادامه به منظور پیش بینی بزه کاری با استفاده از خودکنترلی و خرده مقیاس های اجباروالدینی، پس از بررسی پیش فرض های تحلیل رگرسیون، خودکنترلی و خرده مقیاس های اجباروالدینی به عنوان متغیرهای پیش بین وارد معادله رگرسیون شدند که نتایج آن در جدول ۳ آمده است.

P VALUE	DF _p	DF ₁	F	R ²	R	متغیر ملاک
۰/۰۰۱	۲۵۱	۶	۳۰/۹۱	۰/۴۳	۰/۶۵	میزان قند خون
متغیرهای پیش بین: خودکنترلی، فقدان تربیت مثبت، تنبیه بدنی، مشارکت ضعیف پدر، نظم و انضباط ناپایدار، نظارت ضعیف						

جدول ۳: پیش بینی بزه کاری بر اساس خودکنترلی و اجبار والدینی

بر اساس جدول فوق چنین نتیجه گیری می شود که همبستگی متغیرهای پیش بین با متغیر ملاک حدود $R = 0/65$ است و ضریب تعیین این متغیرها برابر است با $R^2 = 0/43$. این میزان همبستگی و ضریب تعیین با $F = 30/91$ در سطح $P > 0/001$ معنی دار است. بنابراین خودکنترلی و اجبار والدینی ۴۳ درصد از تغییرات متغیر ملاک را به طور معنی دار پیش بینی می کنند.

ضرایب بتای تبیین نمرات ملاک بر اساس متغیرهای پیش بین در جدول ۴ آمده است.

P VALUE	T	BETA	B	متغیر پیش بین / منابع تغییر	متغیر ملاک
۰/۰۳۵	۲/۱۲			مقدار ثابت	بزه کاری
۰/۰۰۱	-۶/۷۷	-۰/۳۶	-۰/۲۲	خودکنترلی	
۰/۰۰۴	۲/۸۸	۰/۱۵	۱/۶۱	فقدان تربیت مثبت	
۰/۰۰۵	۲/۸۱	۰/۱۶	۱/۶۴	تنبیه بدنی	
۰/۰۰۱	۳/۸۲	۰/۲۱	۳/۲۶	مشارکت ضعیف پدر	
۰/۸۲۲	۰/۲۳	۰/۰۱۴	۰/۱۸	نظم و انضباط ناپایدار	
۰/۱۷	۱/۳۹	۰/۰۸	۰/۹۶	نظارت ضعیف	

جدول ۴: پیش بینی بزه کاری بر اساس خودکنترلی و اجبار والدینی

باتوجه به ضرایب BETA مندرج در جدول ۴ مشخص می شود که خودکنترلی به صورت منفی و معنی دار تغییرات مربوط به بزه کاری را پیش بینی می کند. همچنین از بین خرده مقیاس های اجبار والدینی سه خرده مقیاس فقدان تربیت مثبت، تنبیه بدنی و مشارکت ضعیف پدر به طور مثبت و معنی دار تغییرات مربوط به بزه کاری را تبیین می کنند. با این حال دو خرده مقیاس نظم و انضباط ناپایدار و نظارت ضعیف ضریب بتای معنی داری ندارند.

مدل	شاخص ها	تغییرات	مجموع	درجه آزادی	میانگین	F	سطح معنی داری
هم زمان	رگرسیون		۵۳۲۱/۵۵	۶	۸۸۶/۹۲	۳۰/۹۱	۰/۰۰۱
	باقی مانده		۷۲۰۱/۹۷	۲۵۱	۲۸/۶۹		
	کل		۱۲۵۲۳/۵۲	۲۵۷			

جدول ۵: تحلیل واریانس تغییرات متغیر ملاک بر اساس تغییرات متغیرهای پیش بین مکان کنترل

نتایج حاصل از تحلیل واریانس جدول ۵ نشان می دهد که رگرسیون متغیرهای پیش بین به طرف میانگین متغیر ملاک از نظر آماری معنی دار می باشد. چرا که F محاسبه شده $30/91$ در سطح $P > 0/001$ از نظر آماری معنی دار می باشد.

یافته اول حاصل از پژوهش حاضر نشان داد که از خرده‌مقیاس‌های اجبار والدینی سه خرده‌مقیاس فقدان تربیت مثبت، تنبیه بدنی، مشارکت ضعیف پدر به طور معنی‌دار میزان بزه‌کاری را پیش‌بینی می‌کنند. این یافته با نتایج پژوهش بانک و همکاران (۱۹۹۳)، فلچرو و همکاران (۱۹۹۵)، یاغمور، مسمن، مالدا، باکرمنز-کراننبرگ و اکمکی^۱ (۲۰۱۴)، فارینگتون، کوید و مورای^۲ (۲۰۰۹) و شفیع پور، شیخی، میرزایی، کاظم نژاد (۱۳۹۴) همسو است. با این حال، این یافته با نتایج پژوهش پاترسون و همکاران (۱۹۹۲) و آلبوکردی، نظری و نوری (۱۳۹۰)، ناهمسو است.

اجبار والدینی جزء راهبردهای کنترل بیرونی والدین می‌باشد. والدینی که درگیر فرایند تربیتی اجباری برای رفتارهای غلط کودک می‌شوند، راهنمای آشکاری را برای رفتار جایگزین ارائه نمی‌دهند و قصد تنظیم رفتار کودک را ندارند. در این موارد، کودکان بدون این که از انتظارات والدینشان آگاه باشند، دچار فشار می‌شوند (سئوننز و وانستینکیست^۳، ۲۰۱۰). بر این اساس با توجه به فشارهای تجربه شده توسط کودک و نامشخص بودن مسیر، احتمال تخلف افزایش خواهد یافت.

اگر تنبیه والدینی بیش از حد باشد تبدیل به سوء استفاده از کودک می‌شود، بر این اساس واژوپا^۴ و استرائوس (۱۹۹۰) معتقدند با وجود این که در اغلب موارد تنبیه فیزیکی تبدیل به سوء استفاده فیزیکی نمی‌شود ولی شروع اکثر سوء استفاده‌های فیزیکی از تنبیه بدنی نشأت می‌گیرد. سوء استفاده فیزیکی از کودک افراطی‌ترین شکل اجبار والدینی است که هم با بزه‌کاری نوجوانی و هم جرایم بزرگسالی به ویژه جرایم خشن در ارتباط می‌باشد (اسمیت و تورنبری^۵، ۱۹۹۵).

در این زمینه و در تبیین این یافته می‌توان از نظریه یادگیری اجتماعی بندورا (۱۹۷۷) نیز استفاده کرد. بر طبق این نظریه کودک در محیط خانواده رفتارهای اجبارگونه را یاد می‌گیرد و در موقعیت‌های اجتماعی به هنگام مواجهه با مشکلات از اندوخته‌های خود (در این مورد رفتارهای اجبارگونه) استفاده می‌کند و مرتکب بزه می‌شود. پدیده‌ای که آتنز^۶ (۱۹۹۲) آن را مربی‌گری خشونت نامیده است که اقتباسی مستقیم از نظریه یادگیری اجتماعی می‌باشد. مربی‌گری خشونت هم به طور غیر مستقیم (از طریق الگو سازی رفتار اجباری مشاهده شده و تجربه شده توسط فرد) و هم مستقیم (از طریق تشویق توسط یک چهره مقتدر به دلیل انجام یک رفتار خشن) اثر می‌گذارد.

موقعیت‌ها و روابطی که اجبار بین فردی مشخصه‌ی اصلی آن می‌باشد، در برگیرنده‌ی آزارنده‌ترین و منفی‌ترین نیروهایی است که افراد با آن مواجه می‌شوند. این اشکال بین فردی اجبار، علت اصلی ایجاد و

۱. YAGMUR, MESMAN, MALDA, BAKERMANS-KRANENBURG AND EKMEKCI .

۲. COID AND MURRAY .

۳. SOENENS, B. AND VANSTEENKISTE .

۴. WAUCHOPE .

۵. SMITH AND THORNBERRY .

۶. ATHENS .

افزایش هیجان خشم هستند. تا جایی که این پرخاشگری دارای جهت‌گیری به سوی دیگران باشد نه به سوی خود، رفتار مجرمانه خشن به احتمال زیاد قابل پیش‌بینی خواهد بود (کلوین، ۲۰۰۰).

نظریه بزه‌کاری مطرح شده توسط پاترسون (۱۹۸۲) بیان می‌کند که محیط خانواده بر سبک بین فردی نوجوان اثر می‌گذارد که آن نیز به نوبه‌ی خود بر انتخاب گروه دوستان اثر می‌گذارد. هم سالان دارای سبک فردی اجباری گرایش به مشارکت با یکدیگر دارند و فرض بر این است که این رابطه احتمال رفتار بزه‌کارانه را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر نیز این نوجوانان دارای سبک ارتباطی اجباری توسط گروه‌های غیر بزه‌کارانه طرد شده و گرایشی بیش از گذشته به عضویت در گروه‌های بزه‌کارانه پیدا می‌کنند (کاشول و واک، ۱۹۹۶). بر این اساس شنایدر و همکاران (۲۰۰۳) معتقدند که پرخاشگری، رفتار تحقیرآمیز و بی‌اعتنایی والدین نسبت به رفتار پرخاشگرانه کودک با زمان پرخاشگری کوتاه‌تر برای پرخاشگری بعدی کودک رابطه دارد، به عبارت دیگر پرخاشگری والدین احتمال این که کودک به طور متقابل پرخاشگری نشان دهد را نسبت به زمانی که والدین به طور خنثی یا مثبت هیجان نشان می‌دهند افزایش می‌دهد. این گرایش والدین به تلافی کردن پرخاش و احساسات منفی دائمی با رشد بزه‌کاری و رفتارهای برونی سازی در ارتباط می‌باشد (گرانیک و پاترسون، ۲۰۰۶). همچنین نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داد که خودکنترلی به طور منفی با بزه‌کاری در ارتباط می‌باشد. این یافته با نتایج پژوهش وازسونی و کراسوایت (۲۰۰۴)، وازسونی، پیکرینگ، جانگر و هسینگ^۲ (۲۰۰۱)، بامیستر و ووهرز^۳ (۲۰۰۴) و علیوردی نیا و یونسی (۱۳۹۲)، وولف و هیگین^۴ (۲۰۰۸)، نیکوس، گرابر، بروک-گان و بوتوین^۵ (۲۰۰۶)، کراسوایت-گمبل^۶ (۲۰۰۵)، همسو می‌باشد.

بر طبق رویکرد انتخاب اجتماعی (رایت، کاسپی، موفیت و سیلوا^۷، ۱۹۹۹) ویژگی‌های از قبل موجودی (موجود در دوران کودک) مانند خودکنترلی پایین در رشد ویژگی‌هایی مانند بزه‌کاری در سنین بالاتر ارتباط می‌باشد. بدین گونه که خودکنترلی دوران کودکی بر خودکنترلی دوران نوجوانی، ارتباط اجتماعی و مشارکت در گروه‌های بزه‌کاری و بزه‌کاری نوجوانی اثر می‌گذارد.

نظریه عمومی جرم و بسیاری از مطالعات تجربی دیگر معتقدند افراد با خودکنترلی پایین به نظر می‌رسد تمایل زیادی به تجربه هیجان بدون توجه به نتایج بلند مدت آن دارند، که ممکن است برخی از این فعالیت‌ها توأم با مشکلات و انحراف باشد. به طور کلی در این مورد می‌توان چنین نیز استنباط کرد این افراد بدون توجه به منافع دراز مدت خود و همچنین منافع دیگران، به خصوص در زمانی که فرصت بالقوه لذت بخش برای آنان ایجاد می‌شود، ممکن است مرتکب جرم و جنایت شوند (تیب و استفان^۸، ۱۹۹۹). گاتفردسون و

۱. CASHWELL & VACC

۲. PICKERING, JUNGER AND HESSING

۳. VOHS

۴. WOLFE AND HIGGINS

۵. NICHOLS, GRABER, BROOKS-GUNN, BOTVIN

۶. CROSSWHITE-GAMBLE

۷. WRIGHT, CASPI, MOFFITT AND SILVA

۸. TIBBETT AND STEPHEN

هیرشی (۱۹۹۰) معتقدند که افراد سطوح پایین خودکنترلی نسبت به نیازهای دیگران حساس نبوده و افراد خود مداری هستند، همچنین هیرشی و گاتفردسون (۱۹۹۵) معتقدند که نسبت به برقراری روابط معنی دار با دیگران علاقمند نیستند. لذا عدم در نظر گرفتن دیگران در روابط، می تواند به طور مستقیم منجر به انجام رفتارهای تکانشی و خود خواهانه مانند بزه شود. پژوهش های مختلف دلایل مختلفی را برای وجود ارتباط منفی بین خود کنترلی و بزه کاری پیشنهاد کرده اند، به عنوان مثال، رستباگ، گارسیا، وانگ و چنج^۱ (۲۰۱۰) بیان کرده اند که افراد دارای سطوح بالای خود کنترلی دارای توانایی بالایی در کنترل میل به پاسخ دهی پرخاشگرانه هستند و در نتیجه، کمتر احتمال دارد دچار انحراف رفتاری شوند. همچنین داگلاس، کیویتز، مارتینکو، هاروی، کیم و چان^۲ (۲۰۰۸) معتقدند که افراد دارای خود کنترلی بالا آستانه بالایی برای نشان دادن رفتار پرخاشگرانه به عنوان نوعی رفتار بزه کارانه دارند.

در پاسخ به این سؤال که چرا با وجود علت های متعدد برای ارتکاب جرم و پرخاشگری، اغلب افراد مرتکب آن نمی شوند، بامیستر و بودن^۳ (۱۹۹۸) معتقدند کمبود خود کنترلی یک علت فراگیر برای خشونت می باشد. بامیستر (۱۹۹۷) معتقد است که تکانه های پرخاشگرانه و پاسخ های بالقوه به وسیله ی بازدارنده های درونی پیشگیری می شوند. بنابراین، اغلب افراد حتی زمانی که در موقعیت هایی قرار دارند که موجب تحریک پرخاشگری می شود، به این دلیل که بازدارنده های درونی دارند، درگیر چنین رفتارهایی نمی شوند.

بزه کاری منجر به دریافت لذت فوری می شود، انجام آن آسان، پرخطر و هیجان انگیز است. از سوی دیگر نیز خود کنترلی پایین نیز خود را در عملی بازنمایی می کند که قابل قیاس با بزه کاری و جرم است از جمله درگیری با مواد غیر قانونی، خوردن الکل، تقلب در امتحان و قمار بازی کردن (گاتفردسون و هیرشی، ۱۹۹۰). این نوع رفتارها فرد را به سمت درگیری بزه کارانه سوق می دهند. بنابراین ارتکاب جرم نقطه ی مقابل تأخیر لذت و کنترل تکانه های شخصی است بدین گونه که منجر به پاداش های فوری می شود، نیازمند برنامه و مهارت زیادی نیست و پرهیجان است.

تبیین دیگری که برای این یافته می توان ارائه کرد بدین گونه است که افراد دارای سطوح پایین خود کنترلی دوستان بدی انتخاب می کنند. دوستان بد افرادی هستند که در نگاه اول خود را شوخ و پراثری نشان می دهند و این موجب می شود تا افراد دارای سطوح پایین خود کنترلی به سمت آن ها جذب شوند. همچنین این دوستان بد با افرادی در ارتباط هستند که تکانش گر، خطر پذیر و خود محور بوده و دارای ترجیح تکالیف ساده (به جای تکالیف دشوار) هستند (گاتفردسون و هیرشی، ۱۹۹۰)، که این امر موجب می شود با گروهی مواجه باشیم که به طور کلی فاقد خود کنترلی بوده و تکالیفی را ترجیح می دهند که در دسترس بوده و دستیابی به آن آسان است.

با اینکه در این پژوهش سعی شده است دقت کافی در استفاده از ابزار پرسش نامه به عمل آید ولی

۱. RESTUBOG, GARCIA, WANG & CHENG .

۲. DOUGLAS, KIEWITZ, MARTINKO, HARVEY, KIM & CHUN .

۳. BODEN .

استفاده از ابزار پرسش نامه از محدودیت های اصلی همه پژوهش هایی است که از ابزار خود گزارشی استفاده می کنند. نمونه گیری غیر تصادفی و محیط جمع آوری اطلاعات (کانون اصلاح و تربیت) از دیگر محدودیت های پژوهش حاضر می باشد چرا که پاسخ های شرکت کنندگان در این جو به دلیل شرایط هیجانی حاکم ممکن است تحت تاثیر قرار گیرد.

در نهایت پیشنهاد می شود چنین پژوهشی بر روی سایر گروه های مجرمان و بزه کاران و حتی افراد در معرض خطر بزه کاری نیز انجام گیرد. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که فرزندان متعلق به خانواده های دارای روابط اجباری این الگوهای اجباری را با خود به محیط های اجتماعی می برند، با توجه به اینکه این گونه الگوها در گروه های معمولی دوستان، قابل پذیرش نیستند، لذا این کودکان در گروه های بزه کاری عضو می شوند، لذا پیشنهاد می شود به منظور پیشگیری اولیه آموزش های پیش از نوجوانی، هم برای والدین و هم نوجوانان قبل از عضویت در گروه های بزه کاری صورت گیرد، به منظور پیشگیری در سطح دوم پیشنهاد می شود ابتدا نوجوانان در معرض خطر شناسایی و اقدامات پیشگیرانه صورت گیرد و در پیشگیری سطح سوم پیشنهاد می شود اقدام اصلاحی برای این نوجوان درگیر در بزه کاری صورت گیرد.

شایان ذکر است که مهارت های خود کنترلی قابل آموزش بوده و تجربیات متعددی در این زمینه وجود دارد که نشان دهنده تأثیر آموزش خود کنترلی بر کاهش رفتارهایی مانند کشیدن سیگار و مصرف مواد مخدر در نوجوانان (همبسته های بزه کاری) است. لذا پیشنهاد می شود به منظور کاهش میزان بزه برنامه های آموزشی افزایش خود کنترلی در برنامه های تربیتی این نوجوانان قرار گیرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- آبوکردی، سجاد، نظری، علی محمد، و نوری، ربابه. (۱۳۹۰). نقش خانواده و گروه هم سالان در تبیین بزه‌کاری نوجوانان. *مجله تحقیقات علوم پزشکی زاهدان*. ۱۳ (۱۰): ۲۰-۲۰.
- بشیریان، سعید، حیدرنیا، علیرضا، اله وردی پور، حمید و حاجی زاده، ابراهیم (۱۳۹۱). بررسی رابطه خودکنترلی با تمایل نوجوانان به مصرف مواد مخدر. *ادب پژوهی*. ۶ (۲۰): ۴۵-۵۳.
- سامانی، سیامک. (۱۳۹۰). ویژگی‌های روانسنجی نسخه ی فارسی فرم کودکان پرسشنامه ی والدگری آلاباما. *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۲ (۵): ۲۹-۱۷.
- شفیع پور، سیده زهرا، شیخی، علی، میرزایی، مهشید، کاظم نژاد، احسان. (۱۳۹۴). سبک‌های فرزندپروری و ارتباط آن با مشکلات رفتاری کودکان. *مجله پرستاری و مامایی جامع نگر*، ۲۵ (۷۶): ۴۹-۵۶.
- علیوردی نیا، اکبر، یونسی، عرفان. (۱۳۹۳). تأثیر میزان خودکنترلی بر ارتکاب جرم در میان دانشجویان. *مجله راهبرد فرهنگ*، ۲۶: ۹۳-۱۱۸.
- کارشکی، حسین، مؤمنی، فاطمه. (۱۳۹۱). نقش خودکنترلی در گرایش به مصرف مواد مخدر در دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد. *همایش سراسری اعتیاد و آسیب‌های روانی و اجتماعی، انجمن علمی دانشجویی روانشناسی دانشگاه خوارزمی*.
- واحدی، شهرام. (۱۳۹۰). خودتنظیمی به عنوان میانجی بین ابعاد والدینی غیر حمایتی و پرخاشگری نوجوانان: روش مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM). *مجله ی اصول بهداشت روانی*. ۱۳ (۱): ۶-۱۹.
- ATHENS, L.H. (1992). THE CREATION OF DANGEROUS VIOLENT CRIMINALS. URBANA, IL: UNIVERSITY OF ILLINOIS.
- BANDURA, A. (1977). SOCIAL LEARNING THEORY. LONDON: PRENTICE-HALL.
- BANK, L., FORGATCH, M.S., PATTERSON, G.R., AND FETROW, RA. (1993). PARENTING PRACTICES OF SINGLE MOTHERS: MEDIATORS OF NEGATIVE CONTEXTUAL FACTORS. *JOURNAL OF MARRIAGE AND THE FAMILY*. 55:371-384.
- BAUMEISTER, R. E. (1997). EVIL: INSIDE HUMAN VIOLENCE AND CRUELTY. NEW YORK: FREEMAN.
- BAUMEISTER, R. E., BODEN, J.M. (1998). AGGRESSION AND THE SELF: HIGH SELF-ESTEEM, LOW SELF-CONTROL, AND EGO THREAT. IN HUMAN AGGRESSION: THEORIES, RESEARCH, AND IMPLICATIONS FOR SOCIAL POLICY Y GEEN, R. G., DONNERSTEIN, E. D. ACADEMIC PRESS.
- BAUMEISTER, R. F., & VOHS, K. D. (2004). SELF-REGULATION. IN C. PETERSON & M. E. P. SELIGMAN (EDS.), CHARACTER STRENGTHS AND VIRTUES: A HANDBOOK AND CLASSIFICATION (PP. 499-516). WASHINGTON, DC/NEW YORK: AMERICAN PSYCHOLOGICAL ASSOCIATION/OXFORD PRESS.

- CASHWELL, C. S., & VACC, N. A. (1996). FAMILIAL INFLUENCES ON ADOLESCENT DELINQUENT BEHAVIOR. *THE FAMILY JOURNAL: COUNSELING AND THERAPY FOR COUPLES AND FAMILIES*, 4, 217-225.
- COLVIN, M. (2000). *CRIME AND COERCION: AN INTEGRATED THEORY OF CHRONIC CRIMINALITY*. ST. MARTIN'S PRESS. NEW YORK
- CONRAD, K. J., RILEY, B. B., CONRAD, K. M., CHAN, Y. -F., & DENNIS, M. L. (2010). VALIDATION OF THE CRIME AND VIOLENCE SCALE (CVS) AGAINST THE RASCH MEASUREMENT MODEL INCLUDING DIFFERENCES BY GENDER, RACE, AND AGE. *EVALUATION REVIEW*, 34(2), 83–115. [HTTP://DX.DOI.ORG/10.1177/0193841x10362162](http://dx.doi.org/10.1177/0193841x10362162).
- CROSSWHITE-GAMBLE, J. M. (2005). *MEDIATING MECHANISMS: UNDERSTANDING THE LINK BETWEEN PARENTING AND ADOLESCENT DEVIANCE*. PHD THESIS IN DEVELOPMENTAL PSYCHOLOGY. AUBURN, ALABAMA.
- DE RIDDER, D.T., DE BOER, B. J., LUGTIG, P., BAKKER, A. B., AND VAN HOOFT E. A.J. (2011) NOT DOING BAD THINGS IS NOT EQUIVALENT TO DOING THE RIGHT THING: DISTINGUISHING BETWEEN INHIBITORY AND INITIATORY SELF-CONTROL. *PERSONALITY AND INDIVIDUAL DIFFERENCES* 50 (2011) 1006–1011.
- DISHION, T.J., AND PATTERSON, G.R. (1997). THE TIMING AND SEVERITY OF ANTISOCIAL BEHAVIOR: THREE HYPOTHESES WITHIN AN ECOLOGICAL FRAMEWORK. PP. 205–217. IN *HANDBOOK OF ANTISOCIAL BEHAVIOR*, EDITED BY DAVID M. STOFF, JAMES BREILING, AND JACK D. MASER. HOBOKEN, NJ: JOHN WILEY AND SONS, INC.
- DOUGLAS, S. C., KIEWITZ, C., MARTINKO, M. J., HARVEY, P., KIM, Y., & CHUN, J. U. (2008). COGNITIONS, EMOTIONS, AND EVALUATIONS: AN ELABORATION LIKELIHOOD MODEL FOR WORKPLACE AGGRESSION. *ACADEMY OF MANAGEMENT REVIEW*, 33(2), 425– 451. DOI:10.5465/AMR.2008.31193490
- FAGOT, B.I., AND LEVE, L.D. (1998). TEACHER RATINGS OF EXTERNALIZING BEHAVIOR AT SCHOOL ENTRY FOR BOYS AND GIRLS: SIMILAR EARLY PREDICTORS AND DIFFERENT CORRELATES. *JOURNAL OF CHILD PSYCHOLOGY AND PSYCHIATRY*. 39: 555–566.
- FARRINGTON, D.P., COID, J. W., AND MURRAY, J. (2009). FAMILY FACTORS IN THE INTERGENERATIONAL TRANSMISSION OF OFFENDING, CRIMINAL BEHAVIOUR AND MENTAL HEALTH, 19: 109 – 24.
- FLETCHER, A.C., DARLING, N., AND STEINBERG, L. (1995). PARENTAL MONITORING AND PEER INFLUENCES ON ADOLESCENT SUBSTANCE USE. PP. 259–271. IN *COERCION AND PUNISHMENT IN LONG-TERM PERSPECTIVES*, EDITED BY JOAN MCCORD. NEW YORK: CAMBRIDGE UNIVERSITY PRESS.
- GERSHOFF, E. T., (2002). CORPORAL PUNISHMENT BY PARENTS AND ASSOCIATED CHILD BEHAVIORS AND EXPERIENCES: A META-ANALYTIC AND THEORETICAL REVIEW, *PSYCHOLOGICAL BULLETIN*, 128, 539–579.
- GOTTFREDSON, M. R., & HIRSCHI, T. (1990). *A GENERAL THEORY OF CRIME*. STANFORD: STANFORD UNIVERSITY PRESS
- GRANIC, I., PATTERSON, G.R. (2006). TOWARD A COMPREHENSIVE MODEL OF ANTISOCIAL DEVELOPMENT: A DYNAMIC SYSTEMS APPROACH. *PSYCHOLOGICAL REVIEW*. 113(1):

101-131.

- HIRSCHI, T., AND GOTTFREDSON, M. (1995). CONTROL THEORY AND THE LIFE-COURSE PERSPECTIVE. *STUDIES OF CRIME & CRIME PREVENTION* 4:131-142.
- MACCOBY, E. E., AND MARTIN, J. A. (1983). SOCIALIZATION IN THE CONTEXT OF THE FAMILY: PARENT- CHILD INTERACTION. IN E. M. HETHERINGTON (ED.) AND P. H. MUSSEN (SERIES ED.), *HANDBOOK OF CHILD PSYCHOLOGY: VOL. 4. SOCIALIZATION, PERSONALITY, AND SOCIAL DEVELOPMENT* (NEW YORK: WILEY), 1-101.
- McMAHAN, R. J., MUNSON, J. A., & SPIEKER, S. J. (1997). THE ALABAMA PARENTING QUESTIONNAIRE: RELIABILITY AND VALIDITY IN A HIGH-RISK LONGITUDINAL SAMPLE. PRESENTED AT THE MEETING OF THE ASSOCIATION FOR THE ADVANCEMENT OF BEHAVIOR THERAPY, MIAMI, FLORIDE.
- PATTERSON, G.R. (1982). *COERCIVE FAMILY PROCESS*. EUGENE, OR: CASTALIA PUBLISHING COMPANY.
- PATTERSON, G.R., BANK, L., AND STOOLMILLER, M. (1990). THE PREADOLESCENT'S CONTRIBUTIONS TO DISRUPTED FAMILY PROCESS. PP. 107-133. IN *FROM CHILDHOOD TO ADOLESCENCE: A TRANSITIONAL PERIOD*, EDITED BY RAYMOND MONTEMAYOR, GERALD R. ADAMS, AND THOMAS P. GULLOTTA. THOUSAND OAKS, CA: SAGE PUBLICATIONS.
- PATTERSON, G.R., FORGATCH, M.S., YOERGER, K.L., AND STOOLMILLER, M. (1998). VARIABLES THAT INITIATE AND MAINTAIN AN EARLY ONSET TRAJECTORY FOR JUVENILE OFFENDING. *DEVELOPMENT AND PSYCHOPATHOLOGY*. 10: 531-547.
- PATTERSON, G.R., REID, J.B., AND DISHON, T.J. (1992). *ANTISOCIAL BOYS*. EUGENE, OR: CASTALIA PUBLISHING COMPANY.
- RESTUBOG, S. L. D., CARCIA, P. R. J. M., WANG, L., & CHENG, D. (2010). IT'S ALL ABOUT CONTROL: THE ROLE OF SELF-CONTROL IN BUFFERING THE EFFECTS OF NEGATIVE RECIPROCITY BELIEFS AND TRAIT ANGER ON WORKPLACE DEVIANCE. *JOURNAL OF RESEARCH PERSONALITY*, 44, 655-660. doi:10.1016/j.jrp.2010.06.007.
- SHELTON, K. K., FRICK, P. J., & WOOTTOON, J. (1996). ASSESSMENT OF PARENTING: PARENTING PRACTICES IN FAMILIES OF ELEMENTARY SCHOOL-AGE CHILDREN. *JOURNAL OF CLINICAL CHILD PSYCHOLOGY*. 25(3), 317-329.
- SMITH, C., AND THORNBERRY, T.P. (1995). THE RELATIONSHIP BETWEEN CHILDHOOD MALTREATMENT AND ADOLESCENT INVOLVEMENT IN DELINQUENCY. *CRIMINOLOGY*. 33: 451-81.
- SNYDER, J., AND PATTERSON, G. (1987). FAMILY INTERACTION AND DELINQUENT BEHAVIOR." PP. 216-243. IN *HANDBOOK OF JUVENILE DELINQUENCY*, EDITED BY HERBERT C. QUAY. OXFORD, ENGLAND: JOHN WILEY AND SONS, INC.
- SNYDER, J., REID, J., & PATTERSON, G. (2003). A SOCIAL LEARNING MODEL OF CHILD AND ADOLESCENT ANTISOCIAL BEHAVIOR. IN B. B. LAHEY, T. E. MOFFITT, & A. CASPI (EDS.), *CAUSES OF CONDUCT DISORDER AND JUVENILE DELINQUENCY* (PP. 27-47). NEW YORK: GUILFORD PRESS.
- SOENENS, B., AND VANSTEENKISTE, M. (2010). A THEORETICAL UPGRADE OF THE CONCEPT OF PARENTAL PSYCHOLOGICAL CONTROL: PROPOSING NEW INSIGHTS ON THE BASIS OF SELF-DETERMINATION THEORY. *DEVELOPMENTAL REVIEW*. 30: 74-99.

- TANGNEY, J. P., BAUMEISTER, R. F., AND BOONE, A. L. (2004). HIGH SELF-CONTROL PREDICTS GOOD ADJUSTMENT, LESS PATHOLOGY, BETTER GRADES, AND INTERPERSONAL SUCCESS. *JOURNAL OF PERSONALITY*, 72 (2), 271-324.
- TIBBETT, S., STEPHEN, G. (1999). LOW SELF-CONTROL, RATIONAL CHOICE, AND STUDENT TEST CHEATING. *AJCI*; 23(2): 179-200.
- VAZSONYI, A.T., PICKERING, L.E., JUNGER, M., AND HESSING, D. (2001). AN EMPIRICAL TEST OF A GENERAL THEORY OF CRIME: A FOUR-NATION COMPARATIVE STUDY OF SELF-CONTROL AND THE PREDICTION OF DEVIANCE. *JOURNAL OF RESEARCH IN CRIME AND DELINQUENCY*. 38: 91–131.
- VAZSONYI, AT., CROSSWHITE, JM. (2004). A TEST OF GOTTFREDSON AND HIRSCH'S GENERAL THEORY OF CRIME IN AFRICAN AMERICAN ADOLESCENTS. *JOURNAL OF RESEARCH IN CRIME AND DELINQUENCY*. 41 (4), 407-432
- VOSS, K. (1999). UNDERSTANDING ADOLESCENT ANTISOCIAL BEHAVIOR FROM ATTACHMENT THEORY AND COERCION THEORY PERSPECTIVES. PHD THESIS IN PSYCHOLOGY, CONCORDIA UNIVERSITY. MONTREAL, QUEBEC, CANADA.
- WAUCHOPE, B.A., AND STRAUS, M.A. (1990). PHYSICAL PUNISHMENT AND PHYSICAL ABUSE OF AMERICAN CHILDREN: INCIDENCE RATES BY AGE, GENDER, AND OCCUPATIONAL CLASS. PP. 133–65 IN *PHYSICAL VIOLENCE IN AMERICAN FAMILIES: RISK FACTORS AND ADAPTATIONS TO VIOLENCE IN 8,145 FAMILIES*, EDITED BY MURRAY A. STRAUS AND RICHARD J. GELLES. NEW BRUNSWICK, NJ: TRANSACTION PUBLISHERS.
- WHITE, H.R., SHI, J., HIRSCHFIELD, P., MUN, E.I., & LOEBER, E.R. (2009). EFFECTS OF INSTITUTIONAL CONFINEMENT FOR DELINQUENCY ON LEVELS OF ANXIETY AND DEPRESSION AMONG MALE ADOLESCENTS. *YOUTH VIOLENCE AND JUVENILE JUSTICE*, 8, 295-313.
- WILSON, J. Q., & HERRNSTEIN, R. (1985). *CRIME AND HUMAN NATURE*. NEW YORK: SIMON AND SCHUSTER
- WOLFE, S., AND HIGGINS, G. (2008). SELF-CONTROL AND PERCEIVED BEHAVIORAL CONTROL: AN EXAMINATION OF COLLEGE STUDENT DRINKING. *APPLIED PSYCHOLOGY IN CRIMINAL JUSTICE*, 2008, 4(1): 108-134.
- WORTLEY, R. (2011). *PSYCHOLOGICAL CRIMINOLOGY AN INTEGRATIVE APPROACH*. ROUTLEDGE, OXON.
- WRIGHT, B.R., CASPI, E. A., MOFFITT, T. E., AND SILVA, P.A. (1999). LOW SELF-CONTROL, SOCIAL BONDS, AND CRIME: SOCIAL CAUSATION, SOCIAL SELECTION, OR BOTH. *CRIMINOLOGY*. 37: 479–514.
- YAGMUR, S., MESMAN, J., MALDA, M., BAKERMANS-KRANENBURG, M. J. & EKMEKCI, H. (2014). VIDEO-FEEDBACK INTERVENTION INCREASES SENSITIVE PARENTING IN ETHNIC MINORITY MOTHERS: A RANDOMIZED CONTROL TRIAL, ATTACHMENT & HUMAN DEVELOPMENT. 16:4, 371-386.